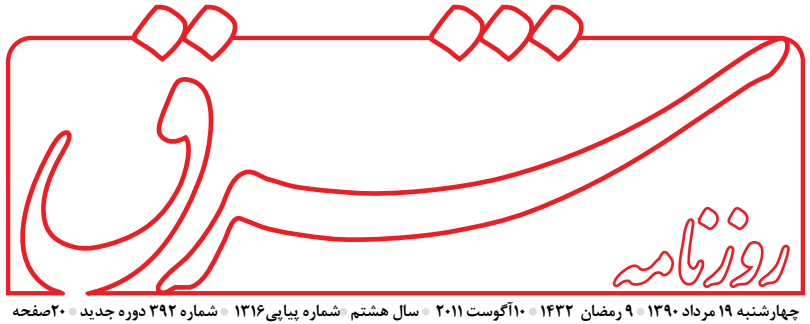




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ ۸۸۶۵۴۳۹۱-۱
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳-۵
چاپ: نشر روزتاب - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewsaper.ir
تهران: اذان ظهر ۱۳:۱۰ اذان مغرب ۲۰:۲۰ اذان صبح فردا ۴:۴۶ طلوع آفتاب ۶:۲۰



چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۰ ۹ رمضان ۱۴۳۲ ۱۰ آگوست ۲۰۱۱ سال هشتم شماره پیاپی ۱۳۱۶ شماره ۳۹۲ دوره جدید ۲۰ صفحه

دعای روز نهم ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ نَصِيْبًا مِّنْ رَّحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاَهْدِنِيْ فِيْهِ لِطَرَاهِيْنِكَ الشَّاطِئَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِيْ اِلَى مَرْصَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا اَمَلُ الْمُسْتَاقِبِيْنَ

خدایا قرار ده برآیم در این روز بهرهای از رحمت وسیعت و راهنمایی کن در این ماه بسوی دلایلهای درخشان و مرا بسوی موجبات خوشنودی همه جانب‌هات سوق ده به حق محبتت ای آرزوی مشتاقان

نگاه

تقدیری از محمد علی کشاورز
تنها فرشتگان بال دارند



مریم پیربند
کارگردان مستندی

محمدعلی کشاورز این بار در صحنهای دیگر و در نقشی دیگر: نه در نقش محمدابراهیم در فیلم مادر، نه آساله در سریال پدرسالار و نه در قالب شعبان در هزارستان بلکه در جایگاه مردی خفته در بیمارستان است من که همه وقت او را بر صلابت و برآرزی دیده بودم، امروز وقتی او را دیدم، باور نمی‌کردم، گویا یکی دیگر از نقش‌های خود را ایفا می‌کند، اما حقیقت، حقیقت تلخ مرا اوار می‌کرد تا در ک کتم که این یک ایفای نقش نیست این واقعیتی است از آنچه روزگار بر او آورده و اینک اوست که آرمیده بر تخت، چشمانش را بر نملایمات روزگار به آرا می‌بندد و در هر گوشدن چشم به دیدن روی آشنای، نگران لبخندی پر مهر هدیه می‌کند. محمدعلی کشاورز با کارنامه‌ای بیش از نیم قرن فعالیت درخشان هنری خوش در ذهن تنگ‌ما تندیسی فراموش نشدنی از خود حک کرده و لحظاتی ناب در زندگی به ما هدیه کرده است. اینک محمدعلی کشاورز یکی از شاخص‌ترین چهره‌های تئاتر و سینما بر بستر بیماری به چه می‌اندیشد؟ چقدر خوب بود می‌توانستم ذهن بویای او را بخوانم، چقدر دلم می‌خواست با دیدگان او دنیا را بنگرم دنیای ناسپاسی‌ها را و نملایمات را. چقدر دلم می‌خواست دل دریایی او را داشتم در هنگام چشم فروستن بر بی‌مهری‌ها، به یاد می‌آورم روزی را که به دیدارش رفته بودم و برآشفته و عصبی بود، قدری که آرام گرفتم، دلیل این همه ناراحتی را جویا شدم و پاسخ سالم نگرفتم وی برای تئاتر و سینمای کشورمان بود، می‌گفت: «این تئاتر نیست، یک بازیگر اول باید خودش را بشناسد، کرامت و شرافت انسانی را فراموش نکند» و همچنان نگران به آینده می‌نگریست. نگران جوانان بود و برای راهنمایی آنان قدم بر می‌داشت. کشاورز یک عاشق است. عشقی بدون مرز به وطن و هموطنان خویش در وجودش جاری است و این عشق این بار در بستر بیماری نیز به زیباترین حالت ممکن رخ می‌نماید. کشاورز حتی حالا با وجود درد فراوان و احوالی ناخوش، هر بار که چشم باز می‌کند، تنها لبخندی پر از مهرانی به ملاقات‌کنندگان هدیه می‌کند.

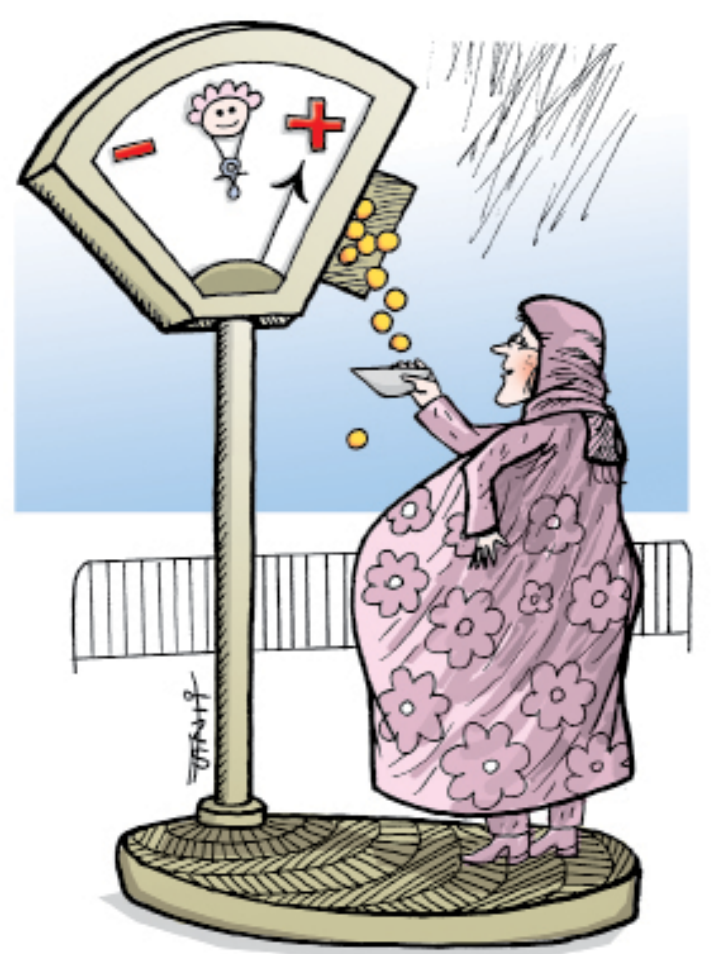
کارتون خواب

کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir



خبر آنلاین: صندوق تأمین اجتماعی - کمک هزینه بارداری به بیمه‌شدگان زن پرداخت می‌کند



به یاد پرند جوان: مهدی پرویز رفتن به راه می‌پیوندد

مرگ مولف



سهیل محمودی
شاعر

نمی‌فروشدند. بلکه خریداران متاع معنویتند تا به خود و جمال راستین خویش معنا ببخشند و این، دست پیش آنان است نسبت به ما که مرکز نشینی و شتاب و سرسام از طبیعت و معنویت دورمان داشته. مهدی پرویز، با همه جوانی‌اش، دریافته بود که کیمیای شعر با «ذکر» و «تذکر»، مس دل‌های مستعد را به طلا تبدیل می‌کند و غلبه توهم صورت و غفلت چیزی نیست جز سرگرم شدن به خویش و گرفتار شدن به انا نیتی که در کمین همه ماست. و رسته بود از این همه، و خزیده بود به کنج کتاب و تحقیق و آموختن. و در راه بود. و در حال رفتن. که در رفتن به راه می‌پیوندد / ماندن به رکود» (۱)
چند سالی بود که من شهرستان او را، به او می‌شناختم. هم آن سال که بسیاری از شهرهای کوچک دیگر را در اطراف اکتاف این ملک عزیز، به دیگر جوانانی چون او باز شناختم.ام. همه مشتاق و بی‌ادعا و به دور از دعوی و داعیه‌های جورا جور. امیدوارم این جوانان پر شور و سربلند و بالنده که هر یک در گوشه‌های چراغ هنر و فرهنگ را روشن نگاه داشته‌اند، از بلایای انقسی و آفاقی دور بمانند و دور نگهدار خدایشان از بی‌انگیزگی بی‌بی‌دردی و نامردی.
مهدی پرویز در کنار ما نیست. و دو هفته پیش که به پاس‌داشت یاد و خاطره و شعر و معرفت او به دلیجان رفته بودیم، دیدیم که دوستان‌ران فرهنگ و ادب و شعر، به جهت جای خالی او دریغ‌آوری و افسوس‌مندند.
دیگر فرزندان جوان این زمین و سرزمین که گوهر شعر را حفظ کنند و آینده را رقم بزنند، هستند ... و تئاتر روی می‌آورند، سودای آرشان نیست یکسر نیازند به آگاهی و معرفت. ادب و اخلاقی‌شان به کراحت‌ها و بدعت‌های ساکنان شهرهای بزرگ، الوده نیست و جلوه

(۱) سطری از طاهره صفارزاده

جوابیه

پژوهشگاه علوم انسانی: جوسازی می‌کنند

شرق: پیرو چاپ گزارشی با تیتیر «هر خورد از نوع علوم انسانی» درباره ممانعت از ورود یکی از استادان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به دست‌نور رییس این مرکز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جوبیاهای را به شرح ذیل ارسال کرده که «شرق» با هدف اطلاع‌رسانی آن را منتشر می‌کند. بدیهی است، مسوولیت رسیدگی به شکایات شاکیان پژوهشگاه و ادعاهای مسوولان آن، نهادهای ذی‌ربط قضایی هستند. با هم متن توضیح‌رسانی را می‌خوانیم:
۱- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محلی است برای تحقیق و پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم انسانی. طبیعی است که وظیفه اعضای هیات‌علمی این پژوهشگاه نیز آرایه طرح‌های علمی و پژوهشی طبق ضوابط و انجام و آرایه آن است. جناب آقای رامین خانبگی سال گذشته به صورت پیمانی با این پژوهشگاه قرارداد داشته‌اند و قرارداد ایشان در پایان سال گذشته در حالی به اتمام رسیده که سه ماه پانای سال عملا هیچ طرحی برای انجام و آرایه در دست نداشته‌اند. ایشان از ابتدای سال جاری نیز هیچ طرح پژوهشی را برای انجام طبق ضوابط پژوهشگاه به تصویب نرسانده‌اند، بنابراین قرارداد ایشان نیز برای سال جاری تمدید نشده است. بدیهی است عقد قرارداد منوط به انجام کاری است و نمی‌توان بدون انجام هیچ کاری با کسی قراردادی منعقد و حقوقی پرداخت کرد. با این حال ایشان از ابتدای سال جاری تاکنون با وجود اینکه هیچ رابطه استخدما با این پژوهشگاه نداشته‌اند، به تکرار با حضور در محل پژوهشگاه و با همکاری عده معدودی که مشکلی مشابه ایشان دارند، اقدام به حاشیه‌سازی‌ها و جوسازی‌هایی کرده‌اند که تحمل آن بیش از این برای مدیریت پژوهشگاه ممکن نبود. لذا از ورود ایشان به مجموعه پژوهشگاه ممانعت به عمل آمد.
۲- جناب آقای رامین خانبگی طبق مدارک موجود در طول دو سال گذشته با وجود داشتن قرارداد تمام وقت با این پژوهشگاه با دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات نیز

شرق: پیرو چاپ گزارشی با تیتیر «هر خورد از نوع علوم انسانی» درباره ممانعت از ورود یکی از استادان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به دست‌نور رییس این مرکز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جوبیاهای را به شرح ذیل ارسال کرده که «شرق» با هدف اطلاع‌رسانی آن را منتشر می‌کند. بدیهی است، مسوولیت رسیدگی به شکایات شاکیان پژوهشگاه و ادعاهای مسوولان آن، نهادهای ذی‌ربط قضایی هستند. با هم متن توضیح‌رسانی را می‌خوانیم:
۱- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محلی است برای تحقیق و پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم انسانی. طبیعی است که وظیفه اعضای هیات‌علمی این پژوهشگاه نیز آرایه طرح‌های علمی و پژوهشی طبق ضوابط و انجام و آرایه آن است. جناب آقای رامین خانبگی سال گذشته به صورت پیمانی با این پژوهشگاه قرارداد داشته‌اند و قرارداد ایشان در پایان سال گذشته در حالی به اتمام رسیده که سه ماه پانای سال عملا هیچ طرحی برای انجام و آرایه در دست نداشته‌اند. ایشان از ابتدای سال جاری نیز هیچ طرح پژوهشی را برای انجام طبق ضوابط پژوهشگاه به تصویب نرسانده‌اند، بنابراین قرارداد ایشان نیز برای سال جاری تمدید نشده است. بدیهی است عقد قرارداد منوط به انجام کاری است و نمی‌توان بدون انجام هیچ کاری با کسی قراردادی منعقد و حقوقی پرداخت کرد. با این حال ایشان از ابتدای سال جاری تاکنون با وجود اینکه هیچ رابطه استخدما با این پژوهشگاه نداشته‌اند، به تکرار با حضور در محل پژوهشگاه و با همکاری عده معدودی که مشکلی مشابه ایشان دارند، اقدام به حاشیه‌سازی‌ها و جوسازی‌هایی کرده‌اند که تحمل آن بیش از این برای مدیریت پژوهشگاه ممکن نبود. لذا از ورود ایشان به مجموعه پژوهشگاه ممانعت به عمل آمد.
۲- جناب آقای رامین خانبگی طبق مدارک موجود در طول دو سال گذشته با وجود داشتن قرارداد تمام وقت با این پژوهشگاه با دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات نیز

یجیا

در سالروز درگذشت محمود درویش دشمنانش هم دل‌باخته قتاری شعر او بودند

پوریا سوری

کشور ما نیز مانند کشورهای دیگر خورمیه سال‌ها درگیر جنگ بوده اما سوال بزرگی که وجود دارد این است که چرا ادبیات مقاومت ایران نتوانسته در طول سالیان حضورش و با پشتیبانی‌های دولتی و تبلیغات فراوانی که بسط و نشر آن را می‌تایند و می‌خواهد از سینه جوشان شعر، چهره‌ای را بیرون بکشد و بسازد که صدایش نه به بلندی و رسایی صدای محمود درویش، بلکه بسامدی از دردهای مردم جنگ‌زده میهن‌مان باشد. سوال مهمی است. وقعا چرا از میان تمام شعرایی که در طول سالیان جنگ ایران و عراق و پس از آن نفس کشیده‌اند و پرچمدار شاه‌های ادبیات مقاومت - ادبیات دفاع مقدس - بوده‌اند نمی‌که درخور پیشینه ادبی کشورمان باشد نمی‌یابیم؟ مروری بر زیست ادبی محمود درویش شاید گره‌گشای سوال‌مان باشد؛ کودکی هفت‌ساله که روزهایش درگیر جنگ و مجبوره کوچ می‌شود. غافل از اینکه وقتی به کوچه‌های کودکی‌اش باز می‌گردد دیگر کوچه‌ای نیست، خانهای نیست، هم‌پایز دوستی نیست و این‌گونه است که کودک که ناگاه بزرگ می‌شود و مانند دیگر کودکان وطنش یک دستش فلاخن سنگ می‌شود و برخلاف دیگران دست دیگرش مامن قلم، شاعر می‌شود زندان می‌رود. تبعید می‌شود شعر می‌گوید شعر می‌گوید ابته از این دست سرنوشت‌های دراماتیک در خاک میهن محمود درویش کم نبوده - آنچنانکه در خوشهر و مرز غربی کشور مان نیز - اما اینکه چرا او شاعری جهانی می‌شود که شعورش را دشمنانش هم می‌ستایند و شعر شاعران ما را خودمان هم نمی‌خوانیم بحث دیگری است. در باب دوستی دشمنانش با شعر او همین بس که «آریل شارون» خود را علاقمند به شعر درویش می‌خواند و وزیر آموزش و پرورش اسرائیل پیشنهاد آموزش و گنجاندن شعر او را در کتب درسی کشورش می‌داد! خود درویش می‌گوید: «من شاعر زندگی، انسان و امیدم، سهمیم بودنم در سیاست از سر ناچاری است» درست هم می‌گوید جبر جغرافیایی است اما چه می‌شود که شعر او سالیان سال، پرچم و شعار مردم فلسطین بوده اما هیچ وقت مانند تمام شعرا فراموش نشده است. او برخلاف نمونه‌های وطنی هیچ وقت شاعر مناسبی نبوده است. تنها شاعر بوده است و آینه تمام‌نمای دردهای میهنش! تعهد در شعر او موج می‌زند! اما نه تعهد به ایدئولوژی، تعهد به مردمش و البته تعهد به ذات شعر با همان شهریت شعر. او در رده شاعران برجسته جهان که شعر اعتراض به نام آنها زنده است جای دارد. او برای وطنش شاعری است چون لورکا برای اسپانیا، ناظم حکمت برای ترکیه و پابلو نرودا برای شیلی. در وصف او بسیار می‌توان نوشت سلب شده، گرایه‌مند هستند و به انجای مختلف سعی بر این دارند تا این پژوهشگاه را تحت فشار بگذارند.

